



جغرافیا و روابط انسانی، تابستان ۱۴۰۴، دوره ۸، شماره ۲، صص ۲۸۱-۲۶۱

ارزیابی و مقایسه میزان حس تعلق ساکنان دو بافت بلند مرتبه و کوتاه مرتبه نسبت به محل سکونتشان (مطالعه موردی: مجتمع چهارصد دستگاہ و شهرک جانبازان شهر سمنان)

علیرضا مولائی

مدرس گروه شهرسازی، دانشکده هنر، معماری و شهرسازی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران

کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری دانشکده شهرسازی دانشگاه تهران

Alireza.molaei@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۵

چکیده

یکی از مهم‌ترین مسائل پیش روی شهرهای امروزی گسترش بی رویه شهر در مناطق پیرامونی است که یکی از راهکارها برای کاهش چنین معضلی ساخت خانه‌های آپارتمانی و بلندمرتبه سازی است. این راهکار دارای ویژگی‌ها و مسائل خاص خود است. از طرفی حس تعلق از موارد مهم احساس رضایت از محل سکونت و کیفیت زندگی می‌باشد. ارزیابی میزان حس تعلق در دو بافت متفاوت کوتاه و بلندمرتبه انگیزه اصلی این پژوهش به شمار می‌آید؛ اینکه در کدامیک از این دو گونه از بافت مسکونی حس تعلق ساکنان بیشتر است. در این تحقیق با بررسی و انتخاب معیارهای حس تعلق به مکان، این ویژگی مهم در دو بافت بلند مرتبه و کوتاه مرتبه بررسی شد؛ ابتدا به ارائه مطالعات پیشین در زمینه بلندمرتبه سازی و همچنین مطالعات مربوط به حس تعلق مکان پرداخته شده است. سپس محدوده‌های مورد مطالعه در شهر سمنان انتخاب شده اند. روش تحقیق در نوشتار حاضر، تحلیلی و از نوع مقایسه تطبیقی نمونه‌های موردی است. علاوه بر این، از روش‌های توصیفی و ارزیابی کمی نیز استفاده شده است. پس از تعیین معیارها و زیرمعیارهای مورد استفاده، تحلیل کمی از طریق نرم افزار Expert Choice انجام می‌شود. در بخش عملی تحقیق، اطلاعات لازم از طریق مطالعات میدانی، مصاحبه، عکس برداری، استفاده از مدارک و نقشه‌های موجود و انجام نظرسنجی از ساکنان دو نمونه مورد مطالعه تهیه گردیده است. درک این مطلب که کدامیک از معیارها و زیرمعیارها می‌تواند تاثیر بیشتری بر حس تعلق به محیط سکونت و محل زندگی افراد داشته باشد مهم‌ترین هدف و مسئله ای است که این پژوهش در پی آن است. یافته‌های بدست آمده فرضیه پژوهش را که میزان حس تعلق در خانه‌های کوتاه مرتبه بیشتر از میزان حس تعلق در مجتمع بلندمرتبه است تأیید می‌کند و نشان می‌دهد که به طور قابل ملاحظه‌ای میزان حس تعلق در خانه‌های کوتاه مرتبه واقع در شهرک جانبازان بیشتر از میزان حس تعلق در مجتمع بلندمرتبه چهارصد دستگاہ می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: حس تعلق، بلندمرتبه، کوتاه مرتبه، سمنان، کیفیت زندگی

یکی از مهم‌ترین مسائل پیش روی شهرهای امروزی گسترش بی‌رویه شهر در مناطق پیرامونی است که یکی از راهکارها برای کاهش چنین معضلی ساخت‌خانه‌های آپارتمانی و بلندمرتبه سازی است. در کشور ما نیز به واسطه‌ی افزایش جمعیت شهرها، گسترش آنها، قیمت مسکن و عوامل دیگر تمایل به زندگی در آپارتمان‌ها افزایش یافته است و شاهد افزایش روزافزون ساختمان‌های بلند مرتبه در شهرها هستیم. امروزه گمگشته‌ی بسیاری از شهروندان در سراسر جهان تعلق است. انسان‌هایی سردرگم که غرق روزمرگی شده‌اند و نمی‌دانند به کجا تعلق دارند. شهرها زمینه ساز ایجاد تعلق برای انسان‌ها هستند و می‌توانند نقش مهمی را در این زمینه ایفا کنند. فضاها و امکانات شهری، مکان‌ها، مرادفات انسان‌ها و ... بر تعلق انسان‌ها به شهر و محله شان تاثیر گذار هستند و نقش مهمی را در افزایش و یا کاهش حس تعلق شهروندان ایفا می‌کنند. بحثی که در این نوشتار به آن پرداخته خواهد شد مقایسه حس تعلق در مجتمع‌های بلند مرتبه با خانه‌های کوتاه مرتبه است. از آنجا که حس تعلق دارای معیارهای گوناگونی می‌باشد در این نوشتار سعی شده است معیارهای کاربردی آن استخراج گردند و مورد تحلیل قرار گیرند. همچنین سوال‌هایی که این پژوهش در جستجوی پاسخ برای آنهاست شامل: شاخص‌های سنجش حس تعلق به محله کدامند؟ تعلق خاطر ساکنین نسبت به محل سکونت خود در بافت بلند مرتبه بیشتر است یا بافت کوتاه مرتبه مسکونی؟ می‌باشد.

پیشینه تحقیق

از آنجایی که این پژوهش شامل دو موضوع حس تعلق و ساختمان‌های بلند و کوتاه مرتبه است ابتدا به معرفی مقالات و پژوهش‌های پیشین درباره بلند مرتبه سازی و سپس به حس تعلق خواهیم پرداخت:

پور موصلو، نصیری قرقانی (۱۴۰۱) در پژوهشی تحت عنوان "بررسی تاثیر بالکن بر ساختمان‌های بلند" تاریخچه‌ی بلندمرتبه سازی در ایران را از سال ۱۳۳۰ ذکر کرده‌اند و از ساختمان ۱۰ طبقه خیابان جمهوری شهر تهران به عنوان اولین ساختمان بلند ایران یاد کرده‌اند. آریان فر و قاسمی در سال ۱۴۰۱ در مقاله خود با عنوان "طراحی ساختمان‌های بلند مرتبه انرژی صفر با رویکرد معماری سبز" ضمن تعریف ساختمان‌های بلند، به دیدگاه‌های موافق، میانه و مخالف با ساختمان‌های بلندمرتبه اشاره کرده‌اند. وود^۱ در سال ۲۰۰۷ در پژوهش خود با عنوان "پایداری: نمونه‌ای جدید از بلندمرتبه‌سازی" بومی که درمورد ساختمان‌های بلند مرتبه است به مزایا و معایب بلند مرتبه سازی اشاره کرده است. بیدل^۲ و همکارانش (۲۰۰۷) نیز در کتاب آسمان‌خراش و شهر: طراحی، فناوری و نوآوری، ساختمان‌ها را از لحاظ بلندی به چهار دسته تقسیم کرده است. عزیزی و ملک محمد نژاد در مقاله خود با

¹ Wood

² Beedl

عنوان " ارزیابی اثرات کالبدی-فضایی برج سازی در تهران" به بررسی تطبیقی دو الگوی مجتمع‌های مسکونی (متعارف و بلند مرتبه) پرداخته اند و دریافتند که در مجتمع مسکونی متعارف، محیط مسکونی مطلوب‌تری نسبت به نمونه‌ی بلند مرتبه فراهم شده است. امان پور و توانگر در سال ۱۳۹۴ در پژوهش خود که " تحلیل و بررسی چالش‌های بلندمرتبه‌سازی در بافت مرکزی شهر توریستی آمل" می باشد به این نتیجه رسیدند که توسعه بلندمرتبه‌سازی و ترکیب کاربری‌ها در بلوک‌های شهری برخلاف پیش بینی‌های طرح تفصیلی شهر، از طریق تغییر کاربری پلاک‌های ثبتی کاربری آموزشی، فضای سبز و غیره صورت گرفته و در آن، ضوابط ساخت و طراحی بلندمرتبه‌ها به طور کامل اجرا نشده است که اثرات نامطلوب کالبدی- فضایی را بر شهر آمل بر جای گذاشته است. " تاثیر تعلق مکانی و سرمایه اجتماعی بر بهسازی مشارکت محلات قدیمی محله سرده سبزوار" عنوان پژوهشی است که زنگنه و همکارانش در سال ۱۳۹۳ انجام داده اند. نتایج پژوهش آنها نشان می‌دهد که سطح سرمایه اجتماعی و تعلق مکانی در محله مورد مطالعه بالاتر از حد متوسط است. همچنین این دو متغیر تاثیر معنادار بر سطح مشارکت ساکنان در برنامه‌های بهسازی محله دارد. حال به پژوهش‌های انجام شده در مورد تعلق می‌پردازیم:

چانگ و همکاران در سال ۲۰۲۳ در مقاله ای با عنوان " محیط‌های اجتماعی هنوز مهم هستند: نقش محیط‌های فیزیکی و اجتماعی در تعلق به مکان در یک شهر در حال گذار، گوانگژو، چین" توجه گسترده به تعلق به مکان را به اوایل قرن بیست و یکم نسبت داده اند و در پژوهش خود به بررسی نقش محیط‌های فیزیکی و اجتماعی را در تعلق به مکان پرداخته اند و به این نتیجه رسیده اند که محیط‌های فیزیکی و اجتماعی با کیفیت بالاتر به تعلق قوی تر به مکان کمک می‌کنند.

آیورسن و داگستاد در سال ۲۰۲۴ در مقاله ی نقش تعلق مکان با روی آوردن به روانشناسی محیطی و با استفاده از تعلق مکانی، پیوند عملکردی و عاطفی افراد را به مکانی مشخص پرداخته اند. اسکنل و گیفورد^۱ در سال ۲۰۱۰ در پژوهشی با عنوان " تعریف دل‌بستگی مکان: یک چارچوب سازمان‌دهی سه جانبه" به بررسی حس تعلق مکانی پرداخته اند و آنرا به سه وجه سه وجه مردم، مکان و فرآیند ارتباط فرد با مکان تقسیم کرده اند. قشقایی و همکاران در تحقیقی با عنوان " ارزیابی حس تعلق به مکان با تأکید بر عوامل کالبدی و محیطی در سواحل شهری (مطالعه موردی: ساحل بوشهر)" در تابستان ۱۳۹۵ عواملی از قبیل: عوامل محیطی، موقعیت مکان و دسترسی، تنوع فضایی، ایمنی، مقیاس انسانی، زیبایی بصری، نفوذپذیری را موثر در حسن مکان دانسته اند. کشاورزی و جلالیان در سال ۱۳۹۸ در مقاله ای با عنوان " تبیین نقش عوامل مؤثر بر قلمرویی در ایجاد حس تعلق به مکان در مجموعه‌های مسکونی (مطالعه موردی: مجموعه مسکونی اعتمادیه همدان)" ایجاد قلمرو به وسیله‌ی علائم و نشانه‌های فیزیکی (مثل دیوار، نرده جداکننده و ...) عامل مهم در ارتقاء حس تعلق به مکان در مجتمع مسکونی دانسته اند. تبیین الگوی طراحی مسکن، بر مبنای معیارهای عینی حس تعلق به مکان از دیدگاه کاربران و طراحان (مطالعه موردی: شهر کرمانشاه) عنوان پژوهش

¹ Scannell and Gifford

سلطانی و همکارانش است که در سال ۱۳۹۸ انجام شده. نتایج پژوهش نشان داد از نظر شهروندان مهم‌ترین معیار در شکل‌گیری حس تعلق در فضای مسکونی "راحتی و انس با فضا" و بعد از آن "حضور نشانه‌های فرهنگی" و "سرزندگی و کیفیت بصری" می‌باشند، ولی از نظر طراحان "سلسله مراتب فضایی و نحوه دسترسی به آن" دارای بیشترین تاثیر است.

تعریف ساختمان بلند

بلند یک موضوع نسبی است و به همین ترتیب تعریف ساختمان بلند نیز نسبی است. محیط اطرف و تعداد طبقات ساختمان‌های مجاور در این تعریف بسیار تاثیر گذار هستند. یک ساختمان ۴ طبقه در یک محله ویلایی، بلند به نظر می‌رسد اما همان نسبت به برج‌های یک کلانشهر بسیار کوچک باشد.

سازمان برنامه و بودجه نیز تعریف زیر را از ساختمان بلند ارائه داده است: هر بنایی که ارتفاع آن (فاصله قائم بین تراز کف بالاترین طبقه قابل تصرف تا فراز یا نبش‌ترین سطح‌ترین قابل دسترسی برای ماشین آتش نشانی) از ۲۳ متر بیشتر باشد، ساختمان بلند محسوب می‌شود (سازمان برنامه و بودجه، ۳۲:۱۳۷۴). حد امکانات تجهیزات آتش نشانی در بیشتر کشورهای اروپایی و اسکاندیناوی بین ارتفاع ۲۲ تا ۲۵ متر است. جدول شماره ۱ حداقل ارتفاع ساختمان بلند در اینگونه کشورها را نشان می‌دهد.

جدول ۱: حداقل ارتفاع ساختمان های بلند در کشورهای اروپایی (طالبی، زاله، ۸۱:۱۳۷۳)

کشور	متر	کشور	متر
اتریش	۲۵	سوئد	۲۳
بلژیک	۲۵	سوئیس	۲۲
دانمارک	۲۲	انگلستان	۲۴
آلمان	۲۲	هلند	۱۳
فنلاند	۲۸	نروژ	۲۲

از دیدگاه مهندسين ساختمان هنگامی می‌توان بنا را بلندمرتبه نامید که ارتفاع آن باعث شود نیروهای جانبی ناشی از زلزله و باد بر طراحی آن تأثیر قابل توجهی بگذارد و بر این مبنا ساختمان‌های بیشتر از 10 طبقه بلند مرتبه محسوب می‌شوند (بمانیان، 8:1377).

اندیشه بلندمرتبه‌سازی و برج‌سازی طی حیات خود، همواره از سوی صاحب نظران مسائل اقتصادی، اجتماعی و کالبدی مورد تحلیل و انتقاد واقع شده است. با این حال حضور این پدیده تداوم داشته و به عرصه فعالیت خود افزوده است. اندیشه‌های موافق و مخالف "بلندمرتبه‌سازی" هریک با تأکید بر جنبه‌ای خاص این پدیده را مورد

تأیید یا انتقاد قرار داده‌اند (عزیزی، ۱۳۷۸: ۳۶). آنتونی وود، بطور کلی معایب و محاسن بلندمرتبه سازی را با شیوه ای تطبیقی مطرح کرده است و مزایایی نظیر: کاهش حمل و نقل، کاهش توسعه حومه شهری، امکان خلق فضاهای دنج و آرام و به دور از شلوغی شهر، کاهش حجم شبکه‌های زیربنایی شهری، توان بالقوه بیشتر برای بهره وری از انرژی باد، پتانسیل و امکان نورگیری طبیعی فضا و ... و معایبی همچون: مصرف زیاد انرژی و مصالح برای ساخت در ارتفاع، مصرف زیاد انرژی جهت نگهداری و نظافت ساختمان، تاثیرات منفی در مقیاس شهری، نیاز بیشتر به تهویه هوا، مشکلات ایمنی و امنیت در ارتفاع و ... را برای ساختمان‌های بلند در نظر گرفته است (Wood, 2007). امروزه ساختمان‌های بلندمرتبه جز لاینفک اکثر شهرها شده اند. اگر اصول بلندمرتبه سازی رعایت شود و شرایط لازم نیز فراهم شود می‌توان بسیاری از معایب را از بین برد و یا کاهش داد که عوامل متعددی در این میان دخیل هستند.

تعریف مکان

توان^۱ مکان را فضایی تعریف می‌کند که معنادار شده است؛ آنچه که به عنوان فضای نامتمایز است، هنگامی که آن را بهتر بشناسیم و به آن ارزش عطا کنیم، به مکان تبدیل می‌شود (سیاوش پور، شادلو جهرمی و مولایی رامشه، ۱۳۹۳: ۲). رلف^۲ مکان را ترکیبی از اشیاء طبیعی و انسان ساخت، فعالیت‌ها (عملکرد) و معانی می‌داند که تجربه آن می‌تواند در مقیاس وسیع از یک اتاق کوچک تا یک قاره را در برداشته باشد. از نظر وی مکان واجد سه خصوصیت محدوده کالبدی، فعالیت‌ها و معانی می‌باشد که آن را از حالت یک فضا خارج و به یک مکان با یک تجربه ذهنی برای فرد تبدیل می‌کند (آراسته، مهدی و هیرو فرکیش، ۱۳۹۴: ۳). مکان‌ها بستر ساز بوجود آمدن زندگی، تعاملات اجتماعی و تعلق هستند.

حس تعلق به مکان

برای روشن شدن معنی حس تعلق به مکان چند تعریف از این مفهوم گردآوری شده است که در ذیل به آنها اشاره می‌شود: تعلق مکان پیوندی است بین فرد یا گروه و مکان، که بر اساس سطح فضایی، درجه اختصاصی بودن، و ویژگی‌های اجتماعی یا کالبدی مکان، متغیر است و از طریق احساس، شناخت، و فرایندهای روانشناسانه رفتاری، آشکار می‌گردد (Scannell & Gifford 2010: 5). پیوندی احساسی و خوشایند بین افراد و مکانی خاص که مهم‌ترین ویژگی این احساس این است که افراد تمایل به مکان و حفظ فیزیکی آن را در خود درک می‌کنند (Hidalgo, 2001:)

¹ Tuan

² Relph

274). بنا به تعریفی دیگر حالتی از آسایش روانی و رضایت به واسطه نزدیک بودن به یک مکان یا پریشانی ناشی از دوری و جدا شدن از یک مکان حس تعلق خاطر نامیده می‌شود (آراسته و فرکیش، ۱۳۹۴: ۸). همچنین شناخت مکان را می‌توان به نوعی به شناخت هویت خود تعبیر نمود. با تعریف کردن مکان‌ها و شکل بخشیدن به آن (هندسه)، شناخت آن‌ها قابل فهم شده و انسان مکان و مرتبه خود در این عالم را کشف کرده و هویت او نمایان می‌شود (Habibi, 2008, p. 41). بالابردن احساس تعلق به محیط موجب افزایش کیفیت زندگی شوند (معروفی و انصاری ۱۳۹۳: ۴۶) و می‌تواند منجر به حیات ذهنی، پایداری مکانی و هویت بخشی شود.

ابعاد مختلف حس تعلق به مکان

- بعد اجتماعی حس تعلق به مکان

برخی حس تعلق را ناشی از روابط و تعاملات اجتماعی جاری در مکان دانسته و آن را عامل اصلی در شکل‌گیری این حس می‌دانند. از نگاه این رویکرد، حس تعلق به محیط برآیند عواملی از تعاملات اجتماعی می‌باشد که در محیط صورت می‌پذیرد. بر اساس این رویکرد محیط حاوی اطلاعات و نشانه‌های مشترک اجتماعی است که انسان‌ها با درک و رمزگشایی آن‌ها با محیط خود به تعامل می‌رسند. هویت مکان و شخص، عاملی است که شخص را ابتدا از طریق روابط اجتماعی و آشنایی با دیگران به مکان متصل می‌کند. به عقیده برخی ابتدا تعلق به اجتماع و در قالب نام یک گروه اجتماعی (خانواده، محله، شهر و...) شکل می‌گیرد و سپس تعلق به مکان در قالب هویت مکان و نام یک مکان بروز می‌کند. کریستوفر اسپنسر در ادبیات خود پیرامون روانشناسی رشد به این نکته اساسی اشاره می‌کند. "او ابتدا بیان داشت که هویت‌های شخصی و اجتماعی تا اندازه‌ای از طریق عضویت گروهی شکل گرفته، و تمایزات اجتماعی گروه، اغلب با مکان همراه است (سیاوش پور، شادلو جهرمی و مولایی رامشه، ۱۳۹۳: ۶). حس تعلق اجتماعی از نیازهای اساسی انسان است و افراد سعی می‌کنند از طریق تعامل با دیگران، به این حس دست یابند. همچنین با تنظیم روابط اجزای هر نظام، به کاهش پیچیدگی روابط اجتماعی منجر شده و رفتار دیگران را پیش‌بینی پذیر می‌کند. می‌توان حس تعلق اجتماعی را یکی از مبانی مهم احساس مسئولیت اجتماعی و ارکان تصمیم‌گیری فرد درباره تنظیم روابط مناسب و ثمر بخش با جامعه دانست. زمانی که فردی حس تعلق اجتماعی خود را به منطقه‌ی سکونتش از دست می‌دهد، به آن مکان اهمیت نمی‌دهد و ناگزیر منطقه را ترک می‌کند و رابطه‌ی دوطرفه بین فرد و جامعه از بین می‌رود. با کاهش حس تعلق، روحیه‌ی منفعت طلبی شخص تقویت می‌شود و فرد فقط، به منافع شخصی اش می‌اندیشد. چنین وضعیتی به تدریج، آسفتگی و از هم گسیختگی اجتماعی را به دنبال می‌آورد و باعث می‌شود جامعه شرایط توسعه و توسعه یافتگی را در خود به وجود نیاورد (مبارکی، ۱۳۹۲: ۲۷۸). بر این اساس مکان و

حس تعلق به آن تابعی است از شخص و اطرافیانش که نحوه‌ی ارتباط آنها با یکدیگر تعیین کننده‌ی میزان حس تعلق به مکان می‌باشد.

- بعد کالبدی حس تعلق به مکان

این نوع از تعلق، برگرفته از عناصر و اجزاء کالبدی مکان به عنوان بخشی از فرایند شناخت و هویت انسانی می‌باشد. عناصر کالبدی محیط علاوه بر برآورده کردن سطحی از نیازهای انسانی در فرایند فعالیت‌ها (که خود این عامل در ایجاد وابستگی به مکان مؤثر واقع می‌گردد)، در تعیین هویت فردی و اجتماعی- فرهنگی شخص نقش اساسی ایفا می‌کند به نحوی که راپاپورت با تأکید بر نقش مؤلفه‌های اجتماعی- فرهنگی در شکل‌گیری محیط کالبدی، با ارائه نظریه ارتباط غیر کلامی، محیط را مجموعه‌ای از عناصر کالبدی ثابت، نیمه ثابت و متحرک تقسیم می‌کند که فرد بر اساس کدها و انگاره‌های فرهنگی خود، معنا و مفهوم خاص خود را از محیط و عناصر آن استنباط می‌کند. از نگاه وی مکان در این رویکرد به یک مکان نمادین تبدیل می‌گردد. که در آن هریک از عناصر به صورت سمبل وار و نماد گونه، بخشی از فرهنگ اجتماعی محیط خود را نشان می‌دهند (سیاوش پور، شادلو جهرمی و مولایی رامشه، ۱۳۹۳:۷). عواملی مثل قدمت، میزان استفاده، دسترسی، رنگ و ... عناصر کالبدی بر حس تعلق به مکان مؤثر هستند.

عوامل تاثیرگذار بر حس تعلق به مکان

از آنجا که از دیرباز حس تعلق به مکان، مورد توجه دانشمندان و نظریه‌پردازان در زمینه‌های مختلف علمی (معماران، جغرافیدانان، برنامه‌ریزان شهری، روانشناسان و...) بوده است؛ پژوهش‌های متعددی در این زمینه صورت گرفته است. در این پژوهش با مطالعه‌ی مطالعات پیشین شاخص‌های گوناگون حس تعلق به مکان به گونه‌ای استخراج شدند که بیشترین اشتراک را با موضوع پژوهش داشته باشند. شاخص‌هایی مثل: فضای عمومی و سبز و باز، تعاملات اجتماعی، کنترل اجتماعی و نظارت، مقیاس انسانی، کیفیت پیاده‌روها، آسایش اقلیمی (وجود درختان، سایه اندازی درختان و...)، امنیت زنان، نورپردازی و روشنایی، خوانایی و دسترسی، زیبایی محله (نمای ساختمان‌ها)، خط آسمان، عوامل و مناظر طبیعی، روابط همسایگی، آرامش و عناصر و رویدادهای خاطره ساز که در جدول ذیل آورده شده اند:

جدول ۲: شاخص‌های حس تعلق به محیط

شاخص	مرجع
فضای عمومی و سبز و باز	(منتظرالحجه، شریف‌نژاد و دهقان، ۱۳۹۵)، (مدنی، عینی فر، جاد و جلیلی، ۱۳۹۷)، (میرغلامی و آیشم، ۱۳۹۵)، (محمدمرادی، یزدانفر، فیضی و نوروزیان ملکی، ۱۳۹۸)، (پورموسوی، زیوریار و علیزاده، ۱۳۹۴)، (پور حیدر شیرازی، ۱۳۹۴)، (دانش پایه و حبیب، ۱۳۹۶)، (مدیری و ادهمی، ۱۳۹۴)، (سجادی و کلانتری، ۱۳۹۴)، (ترکمان، قائد و شمتوب، ۱۳۹۶)، (احمدی و مهدوی، ۱۳۹۳)
تعاملات اجتماعی	(سرمست و متوسلی، ۱۳۸۹)، (ملکی، پارسا، وثیق و مرادی، ۱۳۹۳)، (آراسته و فرکیش، ۱۳۹۴)، (سیاوش پور، شادلو جهرمی و مولایی رامشه، ۱۳۹۳)، (جوان فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۱)، (منتظرالحجه، شریف‌نژاد و دهقان، ۱۳۹۵)، (احمدی، افشار و آقالطیفی، ۱۳۹۲)، (صفرنژاد و کریمی آذری، ۱۳۹۵)، (کلانتری خلیل آباد و درخشانی، ۱۳۹۳)، (پیربابایی و سجاذزاده، ۱۳۹۰)، (قره‌بگلو و خواجه سعید، ۱۳۹۷)، (میرغلامی و آیشم، ۱۳۹۵)، (امامی، بازدار، صفری و فرحناکی، ۱۳۹۶)، (محمدمرادی و همکاران، ۱۳۹۸)، (دانش پایه و حبیب، ۱۳۹۶)، (Bailey, Kearns and Livingston, 2012)
کنترل اجتماعی و نظارت	(قرایی، راد جهانبانی و رشید پور، ۱۳۸۹)، (مدنی و همکاران، ۱۳۹۷)، (میرغلامی و آیشم، ۱۳۹۵)، (مبارکی و صلاحی، ۱۳۹۲)، (Lynch, 1981)
مقیاس انسانی	(قشقایی، موحد و محمدزاده، ۱۳۹۵)، (ملکی، پارسا، وثیق و مرادی، ۱۳۹۳)، (آراسته و فرکیش، ۱۳۹۴)، (جوان فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۱)، (منتظرالحجه، شریف‌نژاد و دهقان، ۱۳۹۵)، (احمدی، افشار و آقالطیفی، ۱۳۹۲)، (میرغلامی و آیشم، ۱۳۹۵)، (دانش پایه و حبیب، ۱۳۹۶)، (سلطانی، فیضی، فلامکی و محمودی زرنندی، ۱۳۹۸)، (Tibbalds, 1992)، (Lewicka, 2011)
کیفیت پیاده روها	(قره‌بگلو و خواجه سعید، ۱۳۹۷)، (شیعه، حبیبی و پیرایه گر، ۱۳۹۴)، (حاتمی نژاد و ترکمن نیا، ۱۳۹۲)، (مبارکی و صلاحی، ۱۳۹۲)، (دانش پایه و حبیب، ۱۳۹۶)
آسایش اقلیمی	(منتظرالحجه، شریف‌نژاد و دهقان، ۱۳۹۵)، (نصیری، ۱۳۹۴)، (محمدمرادی و همکاران، ۱۳۹۸)
امنیت زنان	(شاطریان، سهراب زاده و حسینی، ۱۳۹۵)، (ملکی، پارسا، وثیق و مرادی، ۱۳۹۳)، (گودرزی، مولوی و منتظری شاد، ۱۳۹۵)
نورپردازی و روشنایی	(دویران و کریمی نژاد، ۱۳۹۳)، (منتظرالحجه، شریف‌نژاد و دهقان، ۱۳۹۵)، (بهرام پور و مدیری، ۱۳۹۴)، (مبارکی و صلاحی، ۱۳۹۲)، (پور حیدر شیرازی، ۱۳۹۴)
خوانایی و دسترسی	(قشقایی، موحد و محمدزاده، ۱۳۹۵)، (دویران و کریمی نژاد، ۱۳۹۳)، (سرمست و متوسلی، ۱۳۸۹)، (ملکی، پارسا، وثیق و مرادی، ۱۳۹۳)، (آراسته و فرکیش، ۱۳۹۴)، (سیاوش پور، شادلو جهرمی و مولایی رامشه، ۱۳۹۳)، (جوان فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۱)، (منتظرالحجه، شریف‌نژاد و دهقان، ۱۳۹۵)، (صفرنژاد و کریمی آذری، ۱۳۹۵)، (میرغلامی و آیشم، ۱۳۹۵)، (محمدمرادی و همکاران، ۱۳۹۸)، (دانش پایه و حبیب، ۱۳۹۶)، (سلطانی، فیضی، فلامکی و محمودی زرنندی، ۱۳۹۸)، (Lynch, 1981)، (Tibbalds, 1992)، (Jacobs, 1961)، (Bentley, Alock, Mcglynn, Murrain and Smith, 1985)
زیبایی محله (نمای ساختمان ها)	(قشقایی، موحد و محمدزاده، ۱۳۹۵)، (سرمست و متوسلی، ۱۳۸۹)، (جوان فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۱)، (منتظرالحجه، شریف‌نژاد و دهقان، ۱۳۹۵)، (احمدی، افشار و آقالطیفی، ۱۳۹۲)، (صفرنژاد و کریمی آذری، ۱۳۹۵)، (میرغلامی و آیشم، ۱۳۹۵)، (محمدمرادی و همکاران، ۱۳۹۸)، (پورموسوی، زیوریار و علیزاده، ۱۳۹۴)، (بهرام پور و مدیری، ۱۳۹۴)
خط آسمان	(آراسته و فرکیش، ۱۳۹۴)، (میرغلامی و آیشم، ۱۳۹۵)، (دانش پایه و حبیب، ۱۳۹۶)، (صفرنژاد و کریمی آذری، ۱۳۹۵)

عوامل و مناظر طبیعی	(سرمست و متوسلی، ۱۳۸۹)، (ملکی، پارسا، وثیق و مرادی، ۱۳۹۳)، (آراسته و فرکیش، ۱۳۹۴)، (منتظرالحجه، شریف‌نژاد و دهقان، ۱۳۹۵)، (معروفی و انصاری، ۱۳۹۳)، (قره‌بگلو و خواجه سعید، ۱۳۹۷)، (میرغلامی و آیشم، ۱۳۹۵)، (محمدمرادی و همکاران، ۱۳۹۸)
روابط همسایگی	(آراسته و فرکیش، ۱۳۹۴)، (احمدی، افشار و آقالطیفی، ۱۳۹۲)، (پیربابایی و سجاذزاده، ۱۳۹۰)، (معروفی و انصاری، ۱۳۹۳)، (حاجی‌پور، فخراحمد و سلطانی، ۱۳۹۷)، (بهرام پور و مدیری، ۱۳۹۴)
آرامش	(صفرنژاد و کریمی آذری، ۱۳۹۵)، (سیاوش پور، شادلو جهرمی و مولایی رامشه، ۱۳۹۳)، (امامی و همکاران، ۱۳۹۶)، (محمدمرادی و همکاران، ۱۳۹۸)
عناصر و رویدادهای خاطره ساز	(سرمست و متوسلی، ۱۳۸۹)، (ملکی، پارسا، وثیق و مرادی، ۱۳۹۳)، (آراسته و فرکیش، ۱۳۹۴)، (احمدی، افشار و آقالطیفی، ۱۳۹۲)، (صفرنژاد و کریمی آذری، ۱۳۹۵)، (کلانتری خلیل آباد و درخشانی، ۱۳۹۳)، (پیربابایی و سجاذزاده، ۱۳۹۰)، (مدیری و اشرفی زنجانی، ۱۳۹۳)، (قره‌بگلو و خواجه سعید، ۱۳۹۷)، (حاجی‌پور، فخراحمد و سلطانی، ۱۳۹۷)، (میرغلامی و آیشم، ۱۳۹۵)، (محمدمرادی و همکاران، ۱۳۹۸)، (دانش پایه و حبیب، ۱۳۹۶)

برای اینکه شاخص‌ها کارایی لازم را برای ارزیابی و تحلیل داشته باشند از طریق مشورت با کارشناسان این حوزه و اساتید به پنج معیار تقسیم شدند که هر یک از این معیارها دارای زیرمعیارهای مختص به خود است. معیارهایی از قبیل سرزندگی، پیاده‌مداری، امنیت، دید و منظر، و تمایز و هویت و زیرمعیارهای متناسب با هر یک که در جدول زیر آمده است:

جدول ۳: معیارها و زیرمعیارها

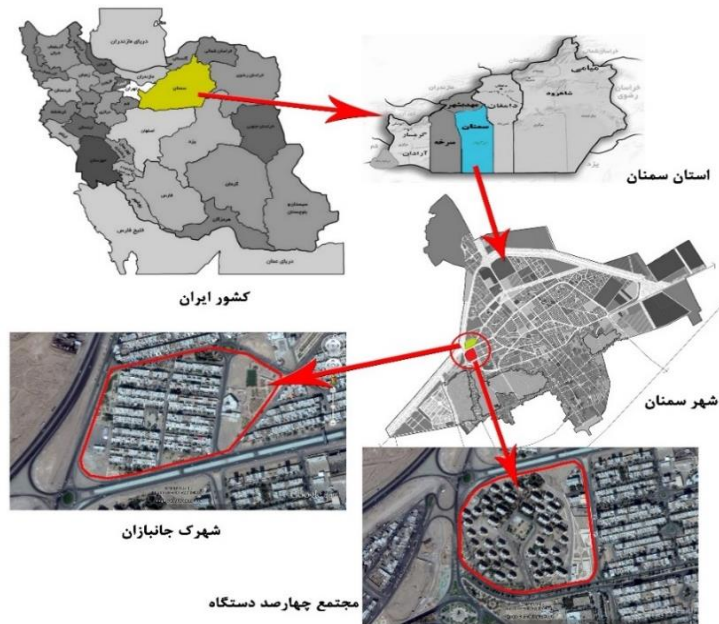
معیار	زیرمعیار
سرزندگی	فضای عمومی و سبز و باز، تعاملات اجتماعی، کنترل اجتماعی و نظارت
پیاده‌مداری	مقیاس انسانی، کیفیت پیاده‌روها، آسایش اقلیمی
امنیت	امنیت زنان، نورپردازی و روشنایی، خوانایی و دسترسی
دید و منظر	زیبایی محله، خط آسمان، عوامل و مناظر طبیعی
تمایز و هویت	روابط همسایگی، آرامش، عناصر و رویدادهای خاطره ساز

با فراهم آمدن مبانی نظری پژوهش و استخراج شاخص‌ها به بخش بعدی پژوهش یعنی معرفی مطالعه‌ی موردی پرداخته می‌شود:

مطالعه موردی

شهر سمنان در دشت وسیعی واقع شده که از سمت غرب با تهران ۲۳۰ کیلومتر، از سمت شرق با شهر دامغان ۱۰۷ کیلومتر و از سمت شمال با شهرهای مهدیشهر و شه‌میرزاد حدود ۲۵ کیلومتر فاصله دارد. علاوه بر محورهای ارتباطی فوق‌الذکر از طریق جاده‌ی فیروزکوه با شهرهای شمالی و رشته‌کوه‌های البرز (سواحل جنوبی دریای خزر)

مرتبط می‌شود (باغ اندیشه، ۱۳۸۹: ۲). ارتفاع این شهر از سطح دریا ۱۱۰۰ متر و دارای شیب عمومی شمالی جنوبی می‌باشد (Yadollahi, 2013: 284).



نقشه ۱: موقعیت جغرافیایی شهرک جانبازان و مجتمع چهارصد دستگاه

با توجه به موضوع بیان شده، دو مجتمع مسکونی چهارصد دستگاه و شهرک جانبازان برای بررسی و تحقیق انتخاب شدند.

مطالعه موردی بلند مرتبه: مجتمع مسکونی چهارصد دستگاه

مساحت این مجتمع مسکونی حدود ۷.۵ هکتار می‌باشد که شامل آپارتمان‌های چهار طبقه مجزا می‌باشد. در مرکز این مجتمع یک فضای سبز بزرگ وجود دارد. همچنین در ضلع شمالی و جنوبی این محدوده دو فضای سبز واقع شده است که فضای سبز جنوبی تجهیز شده است و افراد این شهرک از آن استفاده می‌کنند. در ضلع شرقی نیز فضاهای باز محصور و وجود دارد که به عنوان زمین بازی کودکان و نوجوانان استفاده می‌شود.



تصویر ۱: نمایی از مجتمع مسکونی چهارصد دستگاه (نگارنده)

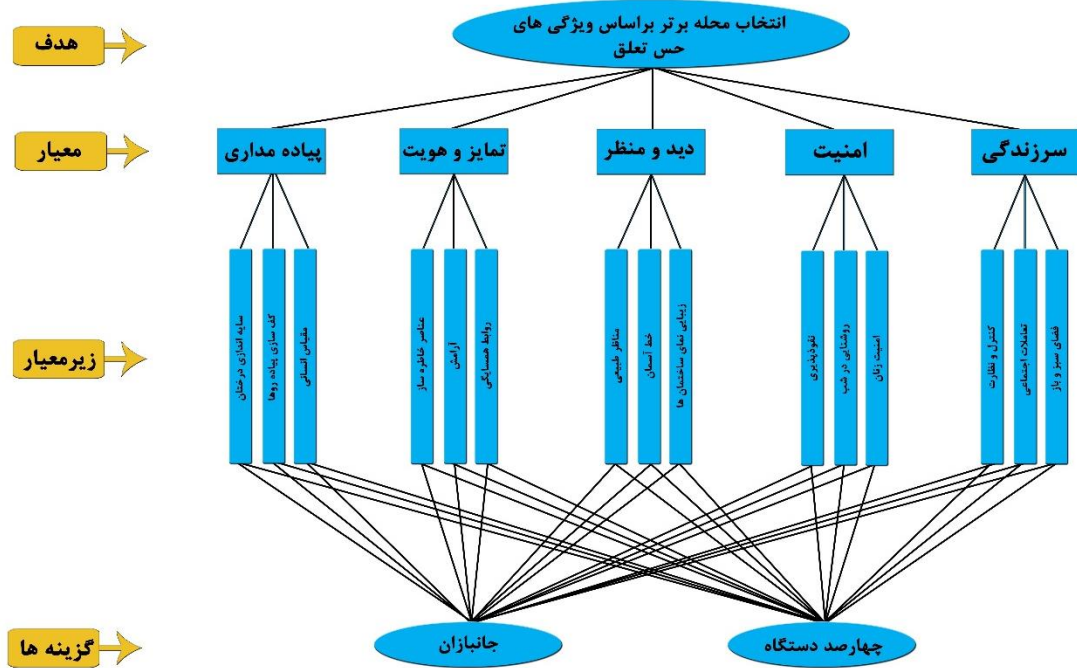
مطالعه موردی کوتاه مرتبه: شهرک جانبازان

مساحت این شهرک حدود ۶ هکتار می‌باشد. در داخل خود این مجموعه، با یک سری شبکه معابر شطرنجی روبرو هستیم که از ارزش یکسانی برخوردارند. تنها محور شمالی-جنوبی که همه محورهای شرقی-غربی از آن نشأت می‌گیرند به عنوان یک محور اصلی دسترسی در شهرک به عنوان یک عنصر شاخص سازمان فضایی محسوب می‌شود. علاوه بر این عنصر، مسجد شهرک در وسط آن و در داخل یک فضای باز واقع شده است به عنوان تنها نشانه این محدوده در سازمان فضایی آن شاخص می‌گردد. با توجه به ارتفاعات یکنواخت ساختمان‌ها و فرم یکسانشان، عنصر دیگری را نمی‌توان به این مشخصات برشمرد (باغ اندیشه، ۱۳۸۸، ۳۰۸).



تصویر ۲: نمایی از شهرک جانبازان (نگارنده)

در نمودار ذیل که فرآیند تحلیل سلسله مراتبی را نشان می‌دهد هدف، معیارها، زیرمعیارها و گزینه‌ها آورده شده‌اند. همانطور که اشاره شد برای هر یک از معیارها زیرمعیارهای متناسب با آن در نظر گرفته شده است.



نمودار ۱: سلسله مراتب هدف، معیارها، زیرمعیارها و گزینه‌ها

برای محاسبه‌ی حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است که با توجه به تعداد ۴۰۰ واحد مسکونی در مجتمع مسکونی چهارصد دستگاه و تعداد ۱۸۲ منزل مسکونی در شهرک جانبازان؛ حجم نمونه برای چهارصد دستگاه ۱۹۶ و برای شهرک جانبازان ۱۲۴ خانوار محاسبه شد که برای جمع آوری اطلاعات از این تعداد خانوار پرسشنامه‌ای تحت عنوان "ارزیابی حسن تعلق ساکنین نسبت به محل سکونت خود" تهیه و توزیع گردید که تمامی معیارها و زیر معیارها را پوشش می‌دهد.

فرمول کوکران

$$n = \frac{N t^2 pq}{N d^2 + t^2 pq}$$

در فرمول کوکران N برابر است با حجم جامعه ؛ t برابر ۱.۹۶ ؛ p=q=0.5 ؛ d: مقدار اشتباه مجاز (مقدار خطا) (حافظ نیا: ۱۳۸۴:۱۸۳). به منظور مقایسه

و امتیازدهی به سوالات پرسشنامه از مقیاس ۹ کمیته آقای ساعتی استفاده شده است که در جدول ذیل نشان داده شده است:

جدول ۴: مقیاس ۹ کمیته ساعتی برای مقایسه دودویی معیارها (زبردست، ۱۳۸۰)

امتیاز	تعریف	توضیح
۱	اهمیت مساوی	در تحقق هدف دو معیار اهمیت مساوی دارند.
۳	اهمیت اندکی بیشتر	تجربه نشان میدهد که اهمیت I اندکی بیشتر از J است
۵	اهمیت بیشتر	تجربه نشان میدهد که اهمیت I بیشتر از J است
۷	اهمیت خیلی بیشتر	تجربه نشان میدهد که اهمیت I خیلی بیشتر از J است.
۹	اهمیت مطلق	اهمیت خیلی بیشتر I به J به اثبات رسیده است.
۸ و ۶ و ۲		هنگامی که حالت‌های میانه وجود دارد.

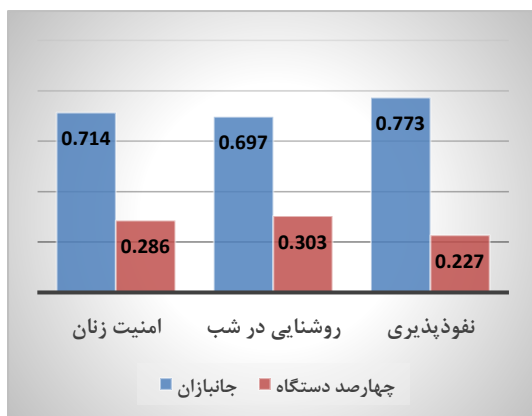
سپس داده‌های پرسشنامه‌ها استخراج شدند و مرحله به مرحله وارد نرم افزار Expert Choice شدند.

بنا به اطلاعات بدست آمده از طریق پرسشنامه میانگین مدت اقامت پرسش شوندگان در مجتمع چهارصد دستگاه بیشتر از شهرک جانبازان است و درصد نحوه‌ی مالکیت (مالک یا مستاجر) در دو بافت تقریباً برابر است. در نمودارهای بعدی امتیاز معیارها و زیر معیارها نمایش داده می‌شوند:

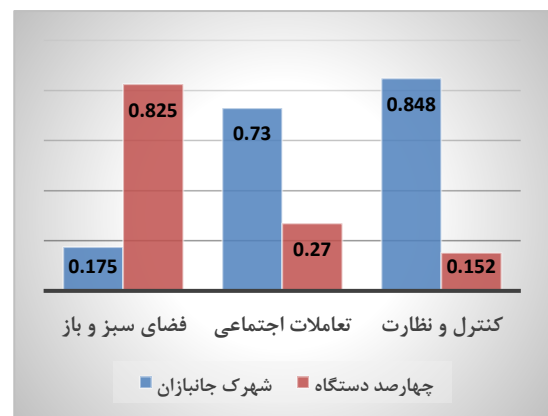
جدول ۵: امتیاز معیارها

شهرک جانبازان	چهارصد دستگاه	
۰.۴۴۵	۰.۵۵۵	سرزندگی
۰.۷۱۳	۰.۲۸۷	امنیت
۰.۴۴۴	۰.۵۵۶	دید و منظر
۰.۷۲۰	۰.۲۸۰	تمایز و هویت
۰.۲۵۴	۰.۷۴۶	پیاده‌مداری

با توجه به جدول فوق مجتمع چهارصد دستگاه در معیارهای سرزندگی، دید و منظر و پیاده‌مداری از امتیاز بیشتری برخوردار است و از طرفی شهرک جانبازان نیز در معیارهای امنیت و تمایز و هویت از امتیاز بیشتری برخوردار است.

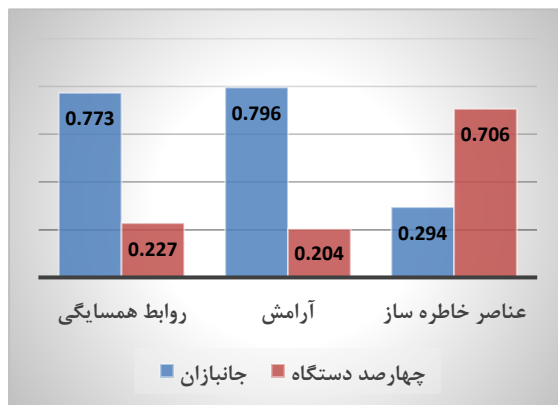


نمودار ۳: وزن زیر معیارهای امنیت

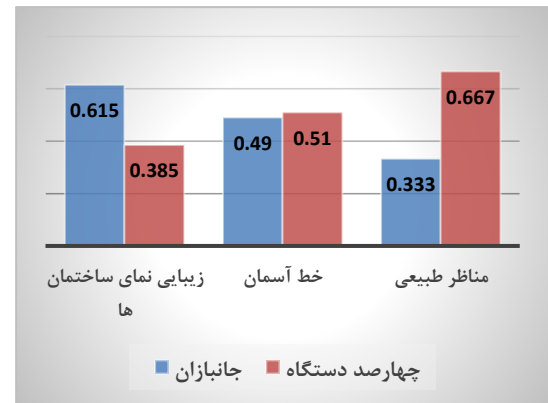


نمودار ۲: وزن زیر معیارهای سرزندگی

مجتمع چهارصد دستگاہ در زیرمعیار فضای عمومی و سبز و باز امتیاز بیشتری را نسبت به شهرک جانبازان کسب کرده است و این امر به دلیل وجود فضاهای سبز است که در نقاط مختلف فضای بیرونی مجتمع پراکنده است. اما در مورد تعاملات اجتماعی و کنترل اجتماعی و نظارت باید گفت که مجتمع چهارصد دستگاہ نسبت به شهرک جانبازان از امتیاز کمتری برخوردار است (نمودار ۲). در مورد معیار امنیت و زیرمعیارهایی از قبیل خوانایی و دسترسی، نورپردازی و روشنایی و امنیت شهرک جانبازان در هر سه زیرمعیار دارای امتیاز بیشتری می‌باشد (نمودار ۳).



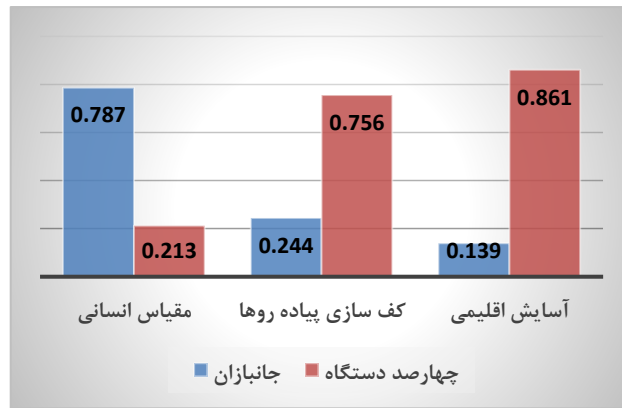
نمودار ۵: وزن زیر معیارها تمایز و هویت



نمودار ۴: وزن زیر معیارهای دید و منظر

معیار دید و منظر که دارای سه زیرمعیار عوامل و مناظر طبیعی، خط آسمان و زیبایی محله می‌باشد در مجتمع چهارصد دستگاہ و در زیرمعیارهای عوامل و مناظر طبیعی و خط آسمان دارای امتیاز بیشتری می‌باشد اما در در زیرمعیار زیبایی محله امتیاز کمتری را نسبت به شهرک جانبازان به خود اختصاص داده است (نمودار ۴). زیرمعیارهای آرامش و روابط همسایگی در شهرک جانبازان دارای امتیاز بیشتری هستند و زیرمعیار عناصر و رویدادهای خاطره ساز در شهرک جانبازان از قوت بیشتری برخوردار است (نمودار ۵).

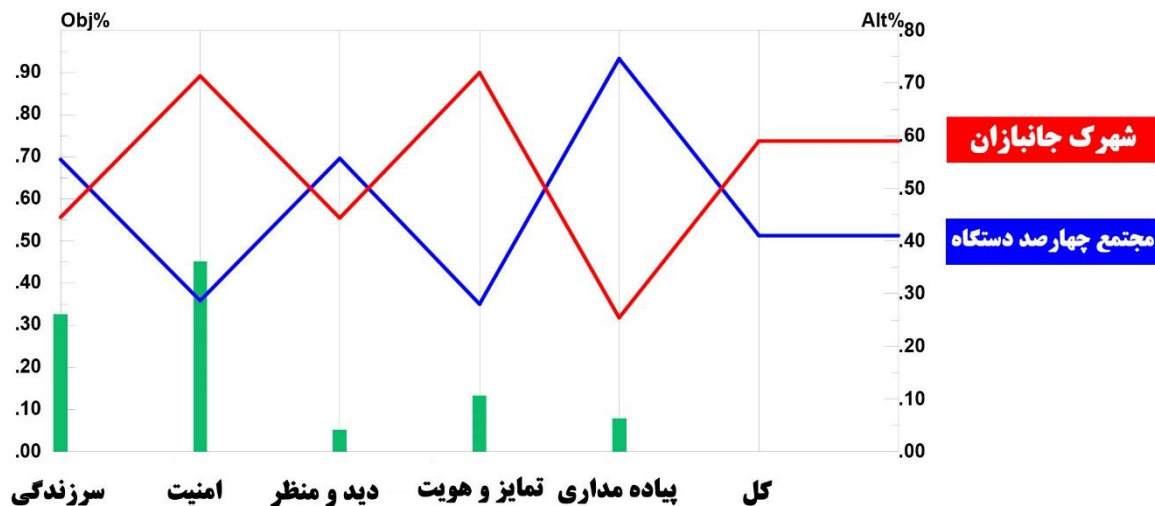
در مورد آخرین معیارکه پیاده مداری می‌باشد زیرمعیارهای آسایش اقلیمی و کیفیت پیاده‌روها در مجتمع چهارصد دستگاہ امتیاز بیشتری را نسبت به شهرک جانبازان دارند و شهرک جانبازان در زیرمعیار مقیاس انسانی امتیاز بیشتری را نسبت به چهارصد دستگاہ به خود اختصاص داده است (نمودار ۶).



نمودار ۶: امتیاز زیر معیارهای پیاده مداری

در گام بعدی که گام آخر می‌باشد، از داده‌های وارد شده به نرم افزار خروجی گرفته شده است که به شکل نمودار نمایش داده شده (نمودار ۷) و در این نمودار امتیاز معیارها نیز مشخص شده است. همچنین مقدار سازگاری کلی این فرآیند ۰.۱۷ می‌باشد. در این نمودار بیشترین تاثیر و اهمیت را به ترتیب معیارهای امنیت، سرزندگی، تمایز و هویت، پیاده مداری و دید و منظر دارند.

نمودار ۷: نتیجه نهایی



شهرک جانبازان در معیارهای: امنیت و تمایز و هویت نسبت به مجتمع چهارصد دستگاه برتری دارد و مجتمع چهارصد دستگاه نیز در معیارهای: سرزندگی، دید و منظر و پیاده مداری نسبت به شهرک جانبازان دارای برتری می‌باشد. تاثیر و اهمیت معیارهای امنیت و تمایز و هویت باعث شده است تا شهرک جانبازان به عنوان محله برتر از دیدگاه ساکنان شود و نسبت به آن حس تعلق بیشتری داشته باشند. نکته حائز اهمیت در این پژوهش این است که علیرغم اینکه

قدمت مطالعه موردی بافت بلند مرتبه (چهارصد دستگاه) بیشتر است، ساکنان آن نسبت به بافت مطالعه موردی کوتاه مرتبه (شهرک جانبازان) احساس تعلق خاطر کمتری نسبت به محل سکونت خود دارند.

نتایج و پیشنهادات

در این پژوهش حس تعلق ساکنان دو بافت بلند مرتبه و کوتاه مرتبه نسبت به محل سکونتشان مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفت و نتایج اطلاعات بدست آمده از پرسشنامه و تحلیل نرم افزار نشان داد که حس تعلق ساکنان بافت کوتاه مرتبه بیشتر از ساکنان بافت بلند مرتبه است و این درحالی است که قدمت مطالعه موردی بافت بلندمرتبه بیشتر از مطالعه موردی بافت کوتاه مرتبه است که نشان می دهد لزوما قدمت محیط سکونت باعث افزایش تعلق خاطر ساکنان نمی شود. معیارهایی از قبیل: سرزندگی، امنیت، دید و منظر، تمایز و هویت و پیاده مداری برای مقایسه دو محیط مسکونی بلند مرتبه و کوتاه مرتبه واقع در شهر سمنان انتخاب شدند که از دیدگاه ساکنین معیار امنیت از اهمیت بسزایی برخوردار است و پس از آن معیار سرزندگی در رتبه دوم قرار می گیرد. با توجه به انتخاب این دو محیط مسکونی، شهرک جانبازان (مطالعه موردی بلندمرتبه) بیشترین امتیاز را به خودش اختصاص داد و در زیرمعیارهایی چون: تعاملات اجتماعی، کنترل اجتماعی و نظارت، امنیت زنان، نورپردازی و روشنایی، خوانایی و دسترسی، زیبایی محله، روابط همسایگی، آرامش، مقیاس انسانی؛ نسبت به مجتمع چهارصد دستگاه (مطالعه موردی کوتاه مرتبه) برتری دارد. همچنین در زیرمعیارهای: فضای عمومی و سبز و باز، عوامل و مناظر طبیعی، عناصر و رویدادهای خاطره ساز، کیفیت پیاده روها، آسایش اقلیمی و خط آسمان از امتیاز کمتری برخوردار است. به طور کلی با توجه به ویژگی های مثبت هر کدام از دو محیط مسکونی و اختلاف شدید امتیاز زیرمعیارهای مربوطه پیشنهاد می گردد که به نقاط ضعف شهرک جانبازان مثل: کمبود فضاهای سبز و باز و مناظر طبیعی توجه زیادی گردد که این کمبود موجب کاهش آسایش اقلیمی شده است. همچنین وضعیت نامناسب پیاده روها موجب نارضایتی شهروندان شده است و یکی از نقاط ضعف دیگر نیز کمبود عناصر خاطره ساز می باشد که طراحی شهری می تواند کمک شایانی در جهت کاهش این ضعف داشته باشد و در مجموع می توان گفت برای توسعه های جدید شهر می توان از نقاط قوت ذکر شده در این پژوهش بهره برد تا حس تعلق شهروندان به محیط های مسکونی و کیفیت زندگی شهری آنان را افزایش داد.

منابع

- احمدی، علی و مسعود مهدوی (۱۳۹۳) رابطه کیفیت زندگی و حس تعلق مکانی در روستاهای درحال توسعه مطالعه موردی: شهرستان زرنده، پژوهش های روستایی، دوره ۵، شماره ۴، ۸۴۸-۸۲۷.

- احمدی، فرزانه، افشار، علی و آزاده آقالطیفی (۱۳۹۲) عوامل تأثیرگذار بر حس تعلق در فرآیند بازآفرینی در بافت مسکونی اطراف حرم حضرت امام رضا (ع)، محله نوغان، هفت شهر ۱۳۹۲؛ ۴ (شماره ۴۷ و ۴۸): ۷۰-۸۴.
- امامی، علی، بازدار، مهرنوش، صفری، ملیحه و رامونا فرحناکی (۱۳۹۶) تعیین رابطه حس تعلق و شاخصه‌های اجتماعی آن، نمونه‌موردی: روستای زیارت در گلستان، معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، شماره ۲۱، ۲۱-۱۱.
- امان پور، سعید و معصومه توانگر (۱۳۹۴) تحلیل و بررسی چالش‌های بلندمرتبه سازی در بافت مرکزی شهر توریستی آمل، کنفرانس سالانه تحقیقات در مهندسی عمران، معماری و شهرسازی و محیط زیست پایدار، تهران، موسسه مدیران ایده پرداز پایتخت ویرا.
- آراسته، مهدی و هیرو فرکیش (۱۳۹۴) فاکتورهای کالبدی تأثیرگذار بر احساس تعلق به مکان، کنفرانس بین‌المللی معماری، شهرسازی، عمران، هنر و محیط زیست؛ افق‌های آینده، نگاه به گذشته، تهران.
- آریان فر، المیرا، و قاسمی، محسن. (۱۴۰۱). طراحی ساختمان‌های بلند مرتبه انرژی صفر با رویکرد معماری سبز. همایش ملی پژوهش‌های نوین در علوم و فناوری.
- باغ اندیشه (۱۳۸۸) طرح بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهر سمنان.
- بمانیان، محمدرضا (۱۳۷۷) بررسی عوامل موثر بر شکل‌گیری ساختمان‌های بلند در ایران، پایان‌نامه دکترای تخصصی معماری، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
- بهرام پور، عطیه و آتوسا مدیری (۱۳۹۴) مطالعه رابطه میان رضایتمندی ساکنان از محیط زندگی و میزان حس تعلق آنها در مجتمع مسکونی بلند مرتبه شهرک کوثر تهران، هنرهای زیبا، دوره ۲۰، شماره ۳، ۹۴-۸۵.
- پور حیدر شیرازی، فرزانه (۱۳۹۴) ارتقاء سرزندگی و حس تعلق به مکان در فضاهای شهری (مطالعه موردی: منطقه ۵ شهر اصفهان)، کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری، یزد.
- پورموسوی، سیدموسی، زیوریار، پروانه و تهمینه علیزاده (۱۳۹۴) رابطه‌ی بین کیفیت فضاهای کالبدی و کارکردهای اجتماعی مطالعه موردی: منطقه ۱۹ شهرداری تهران (محله احمدیه) آمایش محیط، ۸(۲۸)، ۲۳-۴۶.
- پور موصلو، محمد نجف و نصیری قرقانی، الناز، ۱۴۰۱، بررسی تأثیر بالکن بر ساختمان‌های بلند، شانزدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست، شیروان.

- پیربابایی، محمد تقی و حسن سجاذاده (۱۳۹۰) تعلق جمعی به مکان، تحقق سکونت اجتماعی در محله سنتی، باغ نظر، شماره ۱۶، سال هشتم، ۱۷-۲۸.
- ترکمان، احمد، قائد، مجتبی و سوگل شمتوب (۱۳۹۶) پاتوق، فضای جمعی شهری و معماری و محل تعاملات اجتماعی و فرهنگی (نمونه موردی شهر برازجان)، نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال هشتم، شماره سی و یکم، ۲۲۵-۲۴۸.
- جوان فروزنده، علی و قاسم مطلبی (۱۳۹۱) مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل دهنده آن، هویت شهر، شماره ۸، سال پنجم، ۲۷-۳۷.
- حاتمی نژاد، حسین و نعیمه ترکمن نیا (۱۳۹۲) راهبردهای طراحی محلات دوستدار پیاده (مطالعه موردی: محله چهنو منطقه ۶ مشهد)، مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، (24) 8، 73-83.
- حاجی‌پور، خلیل، فخراحمد، سیدمجتبی و علی سلطانی (۱۳۹۷) تحلیل رضایتمندی ساکنان از محله بر مبنای مولفه‌های امنیت و حس تعلق خاطر (نمونه موردی: شهر شیراز)، دانش شهرسازی، دوره ۲، شماره ۴، ۳۳-۴۹.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۴) مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. چاپ یازدهم. تهران: سمت.
- دانش پایه، نثار و فرح حبیب (۱۳۹۶) معیارهای اصلی شکل‌گیری حس مکان در پهنه‌های توسعه جدید شهری (نمونه مطالعه: منطقه ۲۲ و منطقه ۴ شهرداری تهران)، فصلنامه مطالعات شهری، (۲۵) ۷، ۱۷-۳۰.
- دویران، اسماعیل و ملیحه کریمی نژاد (۱۳۹۳) هویت و حس تعلق مکانی در فضاهای عمومی جدید الاحداث شهری (مطالعه موردی: بوستان نهج البلاغه- تهران)، هویت شهر، شماره ۱۸، سال ۸، ۸۱-۹۲.
- زبردست، اسفندیار (۱۳۸۰) کاربرد فرآیند تحلیل سلسله مراتبی در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، هنرهای زیبا، شماره ۱۰، ۱۳-۲۱.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۴) دستورالعمل اجرایی محافظت ساختمان در برابر آتش سوزی، نشریه شماره ۱۱۲.
- سجادی، ژیلا و بهرنگ کلاتری (۱۳۹۴) نقش فضای عمومی در شکل‌گیری شهر شهروندمدار (مطالعه موردی: پارک شفق محله یوسف آباد تهران)، فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی شهری، سال سوم، شماره‌ی یازدهم، پاییز ۹۳، ۷۵-۱۰۳.

- سرمست، بهرام و محمد مهدی متوسلی (۱۳۸۹) بررسی و تحلیل نقش مقیاس شهر در میزان حس تعلق به مکان (مطالعه موردی: شهر تهران)، مدیریت شهری، شماره ۲۶، ۱۴۶-۱۳۳.
- سلطانی، یزدان، فیضی، محسن، فلامکی، محمدمنصور و مهناز محمودی زرنندی (۱۳۹۸) تبیین الگوی طراحی مسکن، بر مبنای معیارهای عینی حس تعلق به مکان از دیدگاه کاربران و طراحان (مطالعه موردی: شهر کرمانشاه)، مطالعات محیطی هفت حصار، ۸ (۳۰): ۵-۱۶.
- سیاوش پور، بهرام، شادلو جهرمی، مجتبی و زهره مولایی رامشه (۱۳۹۳) ابعاد تشکیل دهنده حس تعلق به مکان، با تأکید بر عوامل کالبدی، اجتماعی و احساسی (ادراک و شناخت)، ششمین کنفرانس ملی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری با تأکید بر مولفه‌های شهر اسلامی، مشهد.
- شاطریان، محسن، سهراب زاده، مهران و نرجس سادات حسینی (۱۳۹۵) سنجش احساس امنیت اجتماعی زنان در فضاهای عمومی شهرهای جدید نمونه موردی: پرنده، مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۴۸، ۱۹۸-۱۷۳.
- شیعه، اسماعیل، حبیبی، کیومرث و میلاد پیرایه گر (۱۳۹۴) تبیین شاخص‌های جانمایی پیاده‌راه‌های شهری بر اساس اهداف توسعه پایدار اجتماعی با استفاده از روش ANP (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهر رشت)، هویت شهر، شماره ۲۲، سال نهم، ۳۰-۱۹.
- صفرنژاد، مهسا و امیررضا کریمی آذری (۱۳۹۵) شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر ارتقای هویت شهر و افزایش حس تعلق شهروندان در طراحی بناهای اداری فرهنگی (مطالعه موردی: شهر رشت)، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره نهم، شماره ۴، ۳۲-۱.
- طالبی، ژاله (۱۳۷۳) راهنمای طراحی معماری ساختمان‌های بلند مسکونی مسکونی، تهران، انتشارات مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن.
- قرایی، فریبا، راد جهانبانی، نفیسه و نازیلا رشید پور (۱۳۸۹) بررسی و سنجش حس امنیت در مناطق مختلف شهری (نمونه موردی: مناطق ۲ و ۱۱ تهران)، معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۳(۴)، ۱۷-۳۲.
- قره‌بگلو، مینو و فرناز خواجه سعید (۱۳۹۷) وونرف؛ مؤلفه‌های منظر شهری در خیابان برای زندگی، نظر، ۱۰(۴۳)، ۵۱-۴۲.

- قشقایی، رضا، موحد، خسرو و حجت الله محمدزاده (۱۳۹۵) ارزیابی حس تعلق به مکان با تأکید بر عوامل کالبدی و محیطی در سواحل شهری (مطالعه موردی: ساحل بوشهر)، پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری دوره ۴، شماره ۲، ۲۸۲-۲۶۱.
- کلانتری خلیل آباد، حسین و نجلا درخشانی (۱۳۹۳) راهبردهای پایداری کالبدی - اجتماعی در محلات تاریخی (مطالعه موردی؛ محله عودلاجان تهران)، مطالعات شهری، شماره ۱۰، ۱۴-۳.
- گودرزی، سروش، محمدمهدی، ابراهیم مولوی و پریسا منتظری شاد (۱۳۹۵) تأثیر حس تعلق بر افزایش امنیت اجتماعی زنان درسکونتگاه‌های غیررسمی شهر؛ نمونه موردی: محله خضر همدان، کنفرانس بین‌المللی هنر، معماری و کاربردها، تهران، موسسه مهد پژوهش ره پویان حقیقت - پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی - موسسه آموزش عالی دانش پژوهان پیشرو.
- مبارکی محمد و سمیه صلاحی (۱۳۹۲) کیفیت خدمات شهری، تعهدات شهروندی و حس تعلق اجتماعی، رفاه اجتماعی، ۱۳ (۵۰)، ۲۷۵-۳۱۵.
- محمدمراد، آرش، یزدانفر، سید عباس، فیضی، محسن و سعید نوروزیان ملکی (۱۳۹۸) سنجش حس مکان و شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر آن در بافت تاریخی تهران (موردپژوهی: محله تاریخی امامزاده یحیی)، مطالعات معماری ایران، شماره ۱۵، ۱۹۱-۱۷۳.
- مدنی، رامین، عینی فر، علیرضا، جاد، بروس و محمد جلیلی (۱۳۹۷) تبیین عوامل مؤثر بر شکل‌گیری حس تعلق اجتماعی در مجموعه‌های مسکونی محصور، مورد مطالعاتی: مجموعه‌های مسکونی شهر همدان، معماری و شهرسازی آرمان شهر، شماره ۵۲، ۱۷۶-۱۶۳.
- مدیری، آتوسا و آلاله اشرفی زنجانی (۱۳۹۳) باززنده‌سازی خاطرات جمعی در بازسازی پس از بلایای طبیعی و ...با تکیه بر هویت مکان، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۵، ۶۲-۴۵.
- مدیری، آتوسا و قاسم ادهمی (۱۳۹۴) تبیین نقش فضاهای عمومی در ارتباط با سرمایه‌ی اجتماعی (مطالعه‌ی موردی؛ شهر آمل)، مطالعات توسعه‌ی اجتماعی - فرهنگی، دوره‌ی سوم، شماره‌ی ۴، ۲۱۲-۱۸۵.
- معروفی، سکینه و مجتبی انصاری (۱۳۹۳) ارزیابی تأثیر عناصر منظر شهری بر میزان احساس تعلق محلی (مطالعه موردی: محله نارمک تهران)، هویت شهر، شماره ۱۸، سال ۸، ۴۶-۳۹.

- ملکی، محمدرضا، پارسا، سپیده، وثیق، بهزاد و ابراهیم مرادی (۱۳۹۳) بررسی حس تعلق به مکان با توجه به تفاوت‌های جنسیتی، (مطالعه موردی، شهر ایلام)، مسکن و محیط روستا، دوره ۳۳، شماره ۱۴۸، ۱۰۸-۹۹.
- منتظرالحجه، مهدی، شریف‌نژاد مجتبی و سهیلا دهقان (۱۳۹۵) ارزیابی و سنجش عوامل مؤثر بر ایجاد حس مکان در مراکز محله‌های شهری مطالعه موردی: مراکز محله‌های شیخداد و شهرک دانشگاه در شهر یزد، مطالعات شهر ایرانی اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۶، ۵۴-۴۳.
- میرغلامی، مرتضی و معصومه آیشم (۱۳۹۵) مدل مفهومی ارزیابی حس مکان براساس مؤلفه‌های کالبدی، ادراکی، عملکردی و اجتماعی، مطالعات شهری، دوره پنجم، شماره ۱۹، ۷۹-۸۹.
- نصیری، ماه منیر (۱۳۹۴) عوامل مؤثر بر ایجاد حس تعلق به مکان، اولین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری، یزد.

- Bailey N, Kearns A and Livingston M (2012) Place attachment in deprived neighbourhoods: The impacts of population turnover and social mix. *Housing Studies*. 27 (2): 208-231. ISSN 0267-3037.
- Bentley I, Alock A, Mcglynn S, Murrain P and Smith G (1985) *Responsive environments: a manual for designers*. London: The Architectural Press.
- Chang, Jiang, Lin, Zihan, Vojnovic, Igor, Qi, Jianguo, Wu, Rong and Dixiang Xie (2023) Social environments still matter: The role of physical and social environments in place attachment in a transitional city, Guangzhou, China. *Landscape and Urban Planning*, Volume 232.
- Francis Tibbalds (1992) *Making People-friendly Towns: Improving the Public Environment in Towns and Cities*, Longman.
- Habibi, R.S. (۲۰۰۸). Images and the Meaning of Place. *HONAR-HA-YE-ZIBA*, ۳۵, ۳۹-۵۰.
- Iversen, Endre Kildal and Anders Dugstad (2024) Spatial dimensions in stated preference valuation: The role of place attachment, *Land Use Policy*, 136.
- Jacobs J (1961) *The Death and Life of Great American Cities*, Random House, New York.
- Lynch, Kevin. 1981. *A theory of good city form*. Cambridge, MA: MIT Press.
- Wood, A. (2007). Sustainability: a new high-rise vernacular? *The Structural Design of Tall and Special Buildings*, 16(4), 401-410.